



گسترش تصوف و قشری‌گری ضعف تمدن اسلامی را در پی داشت

یک محقق و نویسنده با تأکید بر ویژگی‌های خاص تمدن اسلامی گفت: گسترش تصوف و نوعی قشری‌گری که از زمان غزنویان تا خوارزمشاهیان رواج داشته، باعث ضعف تمدن اسلامی شد.

یک محقق و نویسنده با تأکید بر ویژگی‌های خاص تمدن اسلامی گفت: گسترش تصوف و نوعی قشری‌گری که از زمان غزنویان تا خوارزمشاهیان رواج داشته، باعث ضعف تمدن اسلامی شد.

مورد ویژگی‌های تمدن اسلامی ایرانی گفت: در زمان ورود اسلام به ایران چون مردم خواستار اسلام بودند، دین اسلام به سرعت رشد کرد و تمام کشور ما و کشورهای همسایه را فرا گرفت.

وی افزود: مسئله اسلام برای ایرانی‌ها و بسیاری از کشورهای تابعه موضوع مهمی بود و کسانی مانند سلمان فارسی جزء اولین صحابه رسول‌الله (ص) بودند. ایرانی‌ها اسلام را پذیرفته بودند و درهای شهرها و دل‌هایشان را باز کرده بودند. آن‌ها با تجارب بسیار زیاد آموخته بودند که اسلام به آن‌ها عزت بیشتری می‌دهد و تاریخ هم این گرایش را ثابت کرده است.

رضوی در ادامه سخنانش اظهار کرد: بعداً هم در زمان خلیفه سوم عده زیادی از افرادی که به عنوان اسیر در زمان خلیفه دوم به عربستان رفته بودند، نقش بسیار زیادی ایفا کردند. آنان در لشکر امام علی (ع) بودند و در زمان قیام توابعین هم نقش مهمی داشتند. نهضت شعوبیان که بعدها به وجود آمد، یک نهضت ضددینی نبود؛ نهضتی در مقابل نژادپرستی‌ها بود.

فرهنگ اسلامی ایرانی فرهنگی بود که قلب تپنده اسلام شد

این محقق و نویسنده تصریح کرد: ایرانی‌ها قبل از اسلام خارج از دین نبودند؛ درست همانند مسیحیان و یهودیان که دین داشتند، آن‌ها آئین زرتشت را داشتند که یکی از ادیان الهی بود که بعدها اثرات بسیار زیادی بر جای گذاشتند. بعد از این‌که ایرانی‌ها مسلمان شدند این فرهنگ اسلامی ایرانی فرهنگی بود که قلب تپنده اسلام شد. فرهنگ و تمدن اسلامی بر اساس کار و کوشش چندصد ساله ایرانی و تمدن اسلامی شکل گرفت.

نویسنده کتاب «#171؛ چکیده عقل ناب؛ حکمت سینوی» اظهار کرد: فهرست عظیم دانشمندان در عرصه‌های مختلف علمی نشان می‌دهد که مسلمانان با توجه به رهنمودهای اسلامی و تلاش و کوشش توانستند به مدارج بالایی برسند. اگر چارچوب‌های سیاسی را کنار بگذاریم، می‌توانیم تمدن اسلامی را به وضع حال و عمومی خود نزدیک کنیم. دوم این‌که می‌توانیم با مسلمانان کشورهای دیگر در نقاط بسیار زیادی اشتراک داشته باشیم.

رضوی در ادامه سخنانش تأکید کرد: به نظر می‌رسد تمدن اسلامی دو دوره داشته است؛ دوره‌ای که آرام آرام توانسته خود را تثبیت کند. این دوره دوره‌ای است که در حدود اواسط قرن دوم به پایان رسید. به لحاظ فرهنگی می‌بینیم دوره‌ای است که از میانه حکومت عباسیان شروع می‌شود و شاخص آن در دوره مأمون است. زمانی که بیت‌الحکمه‌ها پدید می‌آید و نوعی ثکثر فرهنگی در سرتاسر جهان اسلام دیده می‌شود.

پایتخت سیاسی از غرب اسلام به شرق اسلام منتقل می‌شود

این محقق و نویسنده کشورمان تصریح کرد: اتفاق مهم دیگری که روی می‌دهد این است که پایتخت سیاسی از غرب به شرق اسلام، یعنی طوس منتقل می‌شود و در این شهر مأمون تاج‌گذاری می‌کند. حرکت امام رضا (ع) که برای شیعیان خیلی اهمیت دارد در همین دوره اتفاق می‌افتد و ایشان از عراق به خراسان تشریف می‌برند.

وی در ادامه سخنانش در مورد دوره تفوق اشاعره گفت: دوره دیگر تمدن اسلامی دوره‌ای است که اشاعره حاکم می‌شوند. اشاعره نوعی از اهل تفکر بودند که به شدت بر عقل و اهمیت آن می‌تازند. در این دوره عقل‌گرایی و حکمت و فلسفه مورد تاخت و تاز قرار می‌گیرد و گرایش حدیثی و اشعری‌گری که خیلی معروف است بر جهان اسلام حاکم می‌شود.

وی با تأکید بر اینکه اشعری‌گری با تضعیف عقل جهان اسلام را ضعیف می‌کند، اظهار کرد: با تضعیف عقل است که عرفان گسترش پیدا می‌کند. عرفان به عنوان مفرّ باعث می‌شود که عده زیادی به سمت تصوف بروند. عقل، حکمت، فلسفه و عقل‌گرایی به طور مشخص يك مشکلی دارد و آن این است که نیاز به تأمل زیاد، آموزش، مدرسه و کتاب دارد. وقتی در جامعه ضدعقل‌گرایی ترویج شود، عقل تضعیف می‌شود.

رضوی در ادامه سخنانش اظهار کرد: گسترش تصوف و نوعی قشری‌گری در محافل مختلف که حکومت از این قشری‌گری حمایت هم می‌کرده، در زمان غزنویان تا زمان خوارزمشاهیان رواج داشته که باعث شده تمدن اسلامی ضعیف شود.

وی تصریح کرد: در دوره مغول‌ها اتفاق اجتماعی و سیاسی خیلی مهمی می‌افتد و نوع تازه‌ای از روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تعریف می‌شود، دوره طولانی که مغول‌ها در حکومت‌های اسلامی از شرق تا غرب حاکم می‌شوند، مسلمان‌ها سعی می‌کنند که فرهنگ خود را حفظ کنند و در چارچوب‌های مختلف این را بازتولید کنند، ولی شکوفایی قرن چهارم هیچ وقت به دست نمی‌آید.